

فتنه آمریکا

## زیادخواهی زلنسکی یافتنه گری آمریکا

بررسی ابعاد جنگ اوکراین و تأثیرات آن بر تحولات جهانی

در پانزدهمین نشست از سلسله نشست‌های تقابل تمدنی ایران و آمریکا، با محوریت بررسی ابعاد جنگ اوکراین و تأثیرات آن بر تحولات جهانی با تأکید بر کنشگری ایران و آمریکا، کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه به ایراد سخنرانی پرداختند.

در ابتدای این نشست، دکتر ابراهیم متقی رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به بیان دیدگاه خود، در این خصوص پرداخت و ضمن عنوان این نکته که ساختار نظام بین‌الملل، دارای تعارضات است، گفت: ساختار نظام سیاسی بین‌الملل بر مبنای خواست و رقابت قدرت‌های بزرگ شکل گرفته است؛ بنابراین درک حوادث و اتفاقات جهانی باید مطابق با چارچوب این ساختار، یعنی موازنه قدرت‌ها صورت پذیرد. سیاست خارجی آمریکا، در جنگ اوکراین و روسیه را نیز باید بر اساس این دو مؤلفه اصلی، یعنی مداخله‌گرایی و گسترش حوزه نفوذ آن تحلیل کرد. حال سؤال این است که چرا روسیه به خود اجازه داد در مقابل آمریکا و سیاست‌های

آمریکایی (خصوصاً در زمینه گسترش ناتو)، واکنش نشان دهد؟

پاسخ به این سؤال را باید در برآورد روسیه از جایگاه بین‌المللی آمریکا، جست‌وجو کرد. روسیه و شخص پوتین متوجه شده‌اند که آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ، در حال افول است و در چنین شرایطی، فضا را برای انجام اقداماتی علیه آن مناسب دیدند. برخی معیارهای نشان‌دهنده افول آمریکا عبارت‌اند از: عدم توان در کنترل سایر بازیگران، (مانند دریافت ضربات مکرر از ایران، شکست در سوریه و عدم توان ساقط کردن دولت بشار اسد).

از طرف دیگر، بر اساس قائلین به این دیدگاه، خود روسیه هم در حال افول است و قادر به بازسازی امپراتوری خود نیست؛ زیرا محور اصلی فعالیت اقتصادی آن، فروش نفت، گاز و منابع طبیعی است و برای گریب سیاست اصلی آن، بر پایه بهره‌بردن از ساختار نظامی و اقدامات سخت‌افزاری، قرار گرفته است.

وی در ادامه، با اشاره به حفظ جایگاه روسیه در تعامل با اروپا، عنوان کرد: مرور و بررسی تاریخ روسیه،



و سطحی از فرصت‌ها و چالش‌ها برای آن پیش خواهد آمد. روسیه تا پیش از جنگ اوکراین، در قالب منافع مشترک، همکاری مناسبی با ایران داشت ولی اکنون با جنگ و بحران روبرو شده است؛ بنابراین تلاش می‌کند که مسائل و مشکلات خود را در قالب تقابل با غرب، بررسی و برطرف کند و در این فضای همکاری، از تمامی ابزارها و اهرم‌های ممکن، برای امتیاز گرفتن بر علیه غرب استفاده نماید. برخی نشانه‌های آن در حال ظهور است، مانند: رأی مثبت روسیه به قطعنامه محکومیت انصارالله یمن و طرح بحث اعطای تضمین آمریکا، درباره

حال تأمین حدود ۴۰ درصد گاز اروپا است و تحریم آن، می‌تواند منجر به قطع این صادرات و واردشدن آسیب جدی به اروپا شود. بر همین اساس، تحریم علیه روسیه، به نوعی، هم تحریم علیه مجرم (روسیه) و هم تحریم بر علیه قربانی (آمریکا و اروپا) محسوب خواهد شد.

**دکتر ابراهیم متقی** در پایان، پیرامون تأثیر این حادثه بر سیاست خارجه ایران عنوان کرد: با توجه به اینکه ایران، یکی از بازیگران اصلی منطقه و دارای تقابل جدی با تمدن غرب است و نیز تعامل هدفمندی با روسیه، خصوصاً در یک دهه اخیر داشته است، طبیعتاً از فضای جنگ اوکراین و روسیه، متأثر خواهد شد

(از حدود چهارصد سال پیش تا کنون)، نشان می‌دهد که روسیه دائماً خودش را در یک چهارچوب اروپایی نگاه می‌کرده است تا بتواند یک قدرت تعیین‌کننده در ساختار امنیت اروپا باشد.

از منظر دیدگاه فوق، با این وجود که افول روسیه، تا حدی قابل قبول است ولی توجه به این واقعیت لازم است که روسیه حدود سی سال است که در شرایط افول قرار دارد اما در عین حال، تلاش زیادی برای احیای قدرت سابق خود انجام داده است. وی در ادامه افزود: به لحاظ ژئوپلیتیک، یکی از بدترین نتایج جنگ روسیه و اوکراین، برای آمریکا این است که روسیه ضعیف شود و به عنوان یک بازیگر درجه دوم، به سمت چین برود و با آن ائتلاف کند. وابستگی اروپا به روسیه نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. از یک طرف، روسیه با حدود صد و چهار میلیون جمعیت و پیوندهای گسترده با اقتصاد جهانی، مقصد همکاری بسیاری از شرکت‌های بزرگ اقتصادی است و طبیعتاً از دست دادن چنین بازاری برای غرب، خوشایند نیست. از طرف دیگر، روسیه در حوزه انرژی، در

روابط اقتصادی روسیه با ایران در اوج مذاکرات هسته‌ای. در ادامه این نشست، دکتر محمود شوری، کارشناس مسائل اوراسیا به بیان نظرات خود پرداخت. دکتر شوری، نظرات خود را با موضوع دفاع از امنیت داخلی و پیرامونی روسیه، آغاز کرد و گفت: بر اساس این دیدگاه، عضویت اوکراین در ناتو، تهدید جدی، برای امنیت ملی روسیه محسوب می‌شد زیرا کشورهایی مانند اوکراین و گرجستان از اهمیت امنیتی خاصی برخوردار هستند و پیوستن آن‌ها به ناتو، می‌توانست موازنه استراتژیک را به طور کامل بر علیه روسیه تغییر بدهد. از طرف دیگر، تلاش‌های بسیار زیاد

ژلنسکی در ماه‌های اخیر و نقش لهستان در این درگیری را نباید نادیده گرفت. علاوه بر این، برخی معتقدند که روسیه به‌طور کلی، توان و قدرت نرم لازم در مواجهه با مسائل و مشکلات را ندارد. همچنین برخی دیگر اعتقاد دارند که خشونت در فرهنگ روسی، نهادینه شده است و جزء تغییرناپذیر و جدایی‌ناپذیر از آن است. از یک طرف، این تصور وجود دارد که روسیه وارد یک درگیری نظامی شده است که خروج از آن به‌سادگی امکان ندارد و باید ابهت خودش را بشکند و با نوعی شکست مواجه شود که از این منظر، برخی، حمله روسیه

به اوکراین را با باتلاق ویتنام، برای آمریکا یا افغانستان، برای شوروی مقایسه می‌کنند. از طرف دیگر، این تصور غالب وجود دارد که پوتین، تا زمان دست نیافتن به موفقیت، از اوکراین خارج نخواهد شد. در حال حاضر، حتی وجود ژلنسکی برای روسیه ضرورت دارد، در غیر این صورت اگر روسیه قصد داشت در همان روزهای اول وارد کی‌یف بشود و دولت ژلنسکی را از بین ببرد به احتمال زیاد توان انجام چنین اقدامی را داشت ولی این کار را انجام نداد زیرا با از بین بردن این دولت، باید یک دولت دست‌نشانده خود را مستقر می‌کرد؛ در حالی که طبیعتاً این دولت جدید، نمی‌توانست به سرعت، مقبولیت داخلی و خارجی پیدا کند. در این میان، از یک سو، غرب حمایت عملی قابل توجهی از دولت ژلنسکی نکرد ولی با فشارهای هنجاری و تبلیغاتی خود، تلاش داشت که روسیه را مقصروم محکوم جلوه دهد و نیز شرایط را به نحوی فضا سازی کند که حتی خود ژلنسکی هم امکان برگشت از مسیر فعلی را نداشته باشد. از سوی دیگر، تداوم جنگ، افزایش هزینه‌های



به چین، (در صورت تحریم روسیه و تشدید آن) نیز قابل توجه است، ضمن اینکه مقابله با نظم لیبرال جهانی، می‌تواند نقطه صفرهمگرایی روسیه و چین باشد.

در پایان این نشست، **دکتر رحمت اله فلاح**، کارشناس مسائل اوراسیا، به ارائه مطالب خود پرداخت. وی با اشاره به مقاومت دولت اوکراین در برابر حملات سنگین روس‌ها بیان کرد: اگرچه دولت اوکراین تاکنون تلاش کرده است که در مقابل ارتش روسیه مقاومت کند ولی ادامه ایستادگی آن در این سطح، باتوجه به عدم حمایت عملی غرب از آن و نیز خروج تعداد قابل توجهی از مردم اوکراین از کشورشان، بعید است. در حال، محتمل به نظر می‌رسد که حتی اگر روس‌ها از برخی مناطق و شهرهای اوکراین عقب‌نشینی کنند، بخش جنوبی اوکراین، (سواحل دریای سیاه) را در تصرف خود نگه دارند که در نتیجه: آن اتصال جغرافیای اوکراین با دریای سیاه، یا قطع خواهد شد و یا به صورت جدی محدود خواهد شد. همچنین بعید نیست که تداوم جنگ به شکل فعلی، به



وی در پایان به نقش چین در این حادثه پرداخت و گفت: نقش چین در جنگ فعلی می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد. یک سؤال مهم این است که آیا همان‌طور که آمریکا از میان تقابل انگلستان و آلمان در خلال جنگ جهانی دوم سرب‌آورد، چین نیز چنین خواهد شد و از تقابل آمریکا و روسیه، با جهشی عظیم جایگزین آمریکا می‌شود؟ پاسخ به این سؤال، سخت و پیچیده است زیرا از یک طرف، خود چین، تمامی الزامات هژمون شدن را ندارد و از طرف دیگر، وضعیت بین‌المللی، دچار تغییرات جدی شده است و قدرت بسیاری از کشورها افزایش یافته است. نیازمندی اقتصادی روسیه

درگیری را به دنبال خواهد داشت. همچنین اقتصاد روسیه، پیوندهای زیادی با اقتصاد جهانی دارد. دکتر شوروی در ادامه با مطرح کردن این نکته که حمله روسیه، باعث توقف گسترش ناتو خواهد شد، بیان کرد: باتوجه به حمله روسیه به اوکراین، به نظر می‌رسد گسترش ناتو، حداقل به کشورهای نزدیک روسیه یا کشورهای جدا شده از شوروی سابق، برای مدت طولانی متوقف شود؛ زیرا احتمالاً بسیاری از این کشورها متنبه شده باشند و اوکراین، درس عبرتی برای آن‌ها شود، ضمن اینکه غرب نیز متوجه هزینه گسترش ناتو شده است.

تقسیم اوکراین به دو منطقه شرقی و غربی منجر شود.

دکتر فلاح در خصوص نوع کنشگری ایران، پیرامون این حادثه بیان کرد: همان طور که اشاره شد؛ ایران نیز از فضای جنگ روسیه و اوکراین متأثر خواهد شد و نیاز است با ایفای نقش فعالانه، ضمن مدیریت و کاهش چالش های احتمالی، از فرصت های ایجاد شده، به صورت حداکثری استفاده نماید. توجه به راهبردها و توصیه های زیر، می تواند در این زمینه راهگشا باشد:

### ۱. حمایت از توقف جنگ

ایران همواره اعلام کرده است که تجاوز نظامی یک کشور به کشور مستقل دیگر محکوم است و با کشتار مردم عادی، تخریب زیرساخت ها و... مخالف است. رأی ممتنع ایران به قطعنامه سازمان ملل متحد درباره محکومیت حمله روسیه به اوکراین را نیز باید در همین راستا تحلیل کرد. به هر حال ایران باید از تمام ظرفیت دیپلماسی و سیاست خارجی خود، استفاده نماید تا طرفین درگیر در جنگ و حامیان آن را متقاعد نماید تا جنگ متوقف شود.

۲. به چالش کشیدن اعتماد و اتکا به غرب

آمریکا و اروپا برخلاف وعده خود مبنی بر حمایت از اوکراین، حمایت عملی خاصی از آن انجام ندادند و صرفاً در حد حمایت زبانی و تبلیغاتی ظاهر شدند.

افزون بر غیرقابل اعتماد بودن غرب، رفتار و گفتار برخی سیاستمداران و کارشناسان غربی، نشان داد که غرب در مواجهه با حمله و تجاوز به کشورهای مختلف و مردم آن، سیاست مختلفی می گیرد و دارای استانداردها و دوگانه در این زمینه است.

۳. توازن در تعامل با غرب و شرق همان طور که سیاست تعامل جمهوری اسلامی ایران، با جهان بر محور «نه شرقی، نه غربی» قرار گرفته است؛ در عمل نیز باید توجه داشت که کشور را نباید به مذاکره با غرب گره زد و مشروط بر آن کرد. از طرف دیگر باید ضمن استفاده از ظرفیت ها و قابلیت های شرق، دقت و هوشمندی لازم در تعامل با شرق صورت گیرد.

باتوجه به اینکه هم زمان با جنگ روسیه و اوکراین، مذاکرات هسته ای ایران نیز در حال برگزاری است و احتمالاً تمایل روسیه، عدم به نتیجه رسیدن برجام در این فضای بحرانی است و می خواهد از برجام،

به عنوان یک ابزار فشار، علیه غرب استفاده کند و فشارها علیه خود را بکاهد یا متوقف نماید؛ ایران باید ضمن هوشیاری از عدم افتادن در دام چنین مسائلی، از فضای تنش به وجود آمده بین آمریکا و روسیه استفاده نماید و توانمندی نظامی، منطقه ای و هسته ای خود را افزایش دهد تا با افزایش ابزارها و اهرم های فشار خود، بتواند قدرت بیشتری برای امتیازدهی کمتر و امتیازگیری بیشتر، داشته باشد و مانع دخالت و اعمال نفوذ اشتباه کشورها، از جمله روسیه بشود.

### ۴. روایت رسانه ای صحیح

اگرچه ایران در سیاست های اعمالی و اعلانی خود، خواستار توقف جنگ و محکومیت حمله نظامی به یک کشور مستقل و مردم عادی شده است ولی رسانه های غربی و متأسفانه برخی رسانه های داخلی، تلاش دارند با ارائه روایت و تصویر مخدوش، از مواضع ایران، نسبت به این جنگ، مردم جهان و حتی ایران را متقاعد نمایند که ایران در حال حمایت از روسیه، به عنوان یکی از اقماران است و ذهنیت عمومی و فضای روانی جهان و جامعه